

تکالیف و اختیارات ضابطان در بازرسی از اماکن، اشیاء و اشخاص با رویکرد خاص به قوانین موضوعه

جواد دارابی راد^۱ - رستم علی اکبری^۲ - بهروز حسینی نژاد^۳ - حمیدرضا نورایی^۴

چکیده

زمینه و هدف: بازرسی از اماکن، اشیاء و اشخاص به عنوان یک مبحث حقوقی، رابطه ای بسیار نزدیک با رعایت حقوق شهروندان جامعه دارد، و در نتیجه ارتقاء سطح دانش حقوقی و میزان علم و آگاهی متصدیان امر بازرسی و تفتیش (ضابطان) نسبت به قوانین و مقررات موضوعه (که بعضاً با هم تعارض و تناقض داشته) و متقابلاً میزان علم و آگاهی شهروندان جامعه نسبت به حقوق شهروندی، واجد اهمیتی فراوان می باشد. در این راستا بایستی ضمن ملحوظ نظر قرار دادن ضرورت ارتقاء سطح دانش حقوقی ضابطین، وظایف و اختیارات آنها نیز به صورت صریح و شفاف احصاء، و همچنین قوانین و مقررات موضوعه مرتبط نیز به نحوی تشریح گردد که به دور از هرگونه اجمال و ابهام باشد.

روش تحقیق: این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته و اطلاعات مورد نیاز نیز به روش کتابخانه ای گرد آوری شده است.

یافته های تحقیق: نقش ضابطین در رعایت حقوق شهروندی، نقشی انکار ناپذیر بوده، که بایستی توجه به رعایت حقوق حقه شهروندان جامعه، از سوی پلیس ملحوظ نظر قرار گیرد. لیکن از طرفی نباید وجود خلاء ها و ابهامات قانونی نیز ضابط را در انجام وظایف محوله، با سردرگمی مواجه سازد. آشنایی با آثار حقوقی مترتب بر بازرسی ضابطین از اماکن، اشیاء و اشخاص و لزوم یا عدم لزوم اذن موردی مقام قضایی و تفسیر این موضوع بر اساس قوانین موضوعه مرتبط، از جمله یافته های این پژوهش می باشد.

نتایج: قانونگذار، و همچنین مقامات قضایی و انتظامی بایستی در راستای تحقق عدالت از هیچ اقدامی دریغ ننمایند. بنحوی که با قانونگذاری صحیح و به فراخور نیاز روز، و ایجاد بستر لازم و به کارگیری نیروی انسانی مسلط به حقوق جزا و جرم شناسی و متخلقی به اخلاق اسلامی، و با رفتار منطبق با کرامت انسانی نسبت به طرفین دعوا، این اقدام مقدور می باشد. قانونگذار بایستی در تصویب قوانین کیفری رعایت اعتدال را نموده، به نحوی که رویکرد امنیت محوری آن مصوبه قانونی، طوری غالب نباشد که موجبات تضییع حقوق شهروندان را فراهم نماید و از طرف دیگر رویکرد شهروند محور آن نیز آنچنان غلبه نکند که موجبات ایجاد ناامنی در جامعه، فراهم گردد.

واژگان کلیدی: بازرسی و تفتیش، ضابطان دادگستری، تکالیف و اختیارات

^۱ کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی (نویسنده مسئول). javad.darabi@iran.ir

^۲ دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه و مدرس دانشگاه Rostamaliakbari.phd@gmail.com

^۳ کارشناس ارشد حقوق عمومی، مدرس دانشگاه Behrooz13560@mailfa.com

^۴ کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

مقدمه:

ضرورت نظم نوین اجتماعی اقتضاء می کند که نیرویی بمنظور کنترل آن سازماندهی گردد و تنها قوه مقننه نمی تواند با وضع قوانین، نظم اجتماعی را تامین نماید بلکه پس از وضع قانون، بایستی مجری کنترل نظم وجود داشته باشد.

در هر جامعه، پلیس وظایفی سنگین و حساس داشته و همواره جهت انجام ماموریت‌های ذاتی خود و برقراری نظم و امنیت، ناگزیر است که از قدرت استفاده نماید و ضرورت دارد که قانونگذار در این مورد از پلیس حمایت‌های قانونی را به عمل آورده و در جهت حفظ اقتدار پلیس که تجسم اقتدار حکومت و نظام سیاسی است، اقدامات لازم را پیش بینی نماید. ضابط در لغت به معنای فراهم آورنده و نگاهدارنده، حفظ کننده، نیرومند، حاکم و قاعد آمده است و از ریشه ضبط به معنی نگاه داشتن، حفظ کردن، محکم کردن و نگهداری می باشد. ضابطین بازوی اجرایی قانون هستند، هرگاه نظم و امنیت جامعه به مخاطره افتد ابزاری لازم است که مجازات را اعمال، و ضمانت اجراهای پیش بینی شده را برای متجاوزین اجرا نماید. بنابر این اهمیت وجود ضابطین را می توان ذیل این دو دلیل آورد: ابتدا اینکه شهروندان را برای پیروی از قانون کنترل می کند و سپس اینکه اگر تخطی از قانون توسط شهروندان مشاهده شود، با اجرای قانون، از کار متخلف جلوگیری به عمل آورد. اهمیت وجود ضابطان دادگستری بر کسی پوشیده نیست زیرا در هر جامعه وجود چنین اشخاص آموزش دیده ای برای نیل به اهداف عدالت کیفری و تکمیل پروسه تحقیقات جهت کشف جرم لازم و ضروری است. علی ایحال با تغییرات قانون آیین دادرسی در امور کیفری و الحاقات آن، ضرورت مذاقه در بحث ضابطان و همچنین انجام بازرسی از سوی ایشان بیش از پیش مد نظر می باشد که در مقاله حاضر مورد بررسی قرار می گیرد.

از مهم ترین و حیاتی ترین اقدامات ضابطین در کشف بزه و دلایل آثار جرم که تاخیر در اجرای آن لطمه بزرگی به روند تحقیقات وارد می نماید، بحث بازرسی است. بازرسی در لغت به معنای تفتیش و واری کردن است و در اصطلاح حقوق جزا به اقداماتی گفته می شود که مامورین ذیصلاح حسب مجوز یا دستور مقام قضایی در جهت کشف آلات و ادوات و ادله جرم، و نیز اموال حاصله از جرم با رعایت موازین شرعی و قانونی، در منزل و مخفیگاه متهمین و مظنونین به ارتکاب جرم معمول می دارند.

حال این سوالات مطرح می گردد که :

- ۱- چه کسانی و در چه شرایطی صلاحیت و اختیار بازرسی از اماکن، اشیاء و اشخاص را دارند؟
- ۲- آیا ورود به منازل و اماکن بسته و بازرسی اشخاص و اشیاء در جرائم مشهود، منوط به اجازه مقام قضایی است؟
- ۳- آیا در خصوص بازرسی از اشیاء قانون خاص موخر(تبصره ماده ۵ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر) در موارد تناقض، قانون عام مقدم (ماده ۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری) را تخصیص نمی زند؟

۱) ضابطین و طبقه بندی آن

اکثر شهروندان تصور می کنند پلیس و اشخاصی که لباس فرم نظامی یا انتظامی به تن دارند ضابط دادگستری هستند، اما این تصور چندان صحیح نمی باشد زیرا همه کارکنان نظامی و انتظامی ضابط محسوب نمی شوند و قانون فقط برخی از افراد این مجموعه را ضابط و مشمول تکالیف و اختیارات مربوط به آن می داند.

بی شک تامین نظم و امنیت و حسن اجرای قوانین و جلوگیری از ایجاد هرج و مرج و تضمین حقوق و آزادی های افراد، نیازمند موجودیت نیرویی است که مجری دستورات مقام قضایی باشد براین مبنا این نیرو بایستی توسط قانون تعیین و معرفی شود. نخستین نتیجه حکومت قانون بر حقوق کیفری شکلی، اصل قانونی بودن نهاد های رسیدگی کننده به جرم می باشد بدین معنا که تنها مرجع صالح برای تعیین نهاد های رسیدگی کننده به جرم، قانونگذار می باشد و هیچ نهادی غیر از نهاد های تعیین شده از سوی قانون گذار، صلاحیت رسیدگی به اتهامات کیفری را ندارند. از آنجا که هر یک از مراحل رسیدگی به جرم، امری کاملاً حرفه ای و تخصصی می باشد بنابراین ضرورت دارد تا مجموعه ای از افراد آموزش دیده و دارای مهارت و تخصص در آن حرفه، عهده دار انجام هر یک از مراحل رسیدگی به جرم باشند و از آنجا که ممکن است علاوه بر افراد دارای مسئولیت عملیاتی، افراد دیگری که دارای وظایف خدماتی و پشتیبانی هستند نیز وجود داشته باشد. بنابراین قانون گذار پس از تعیین هر یک از نهاد های رسیدگی کننده به جرم، مکلف است دقیقاً مشخص نماید که چه افرادی در این نهاد ها صلاحیت رسیدگی به جرم را خواهند داشت. به طور مثال در سازمان ناجا علاوه بر کارکنان دارای وظیفه قضایی، کارکنان دیگری با وظایف نظامی یا اداری و ... وجود دارند. که خوشبختانه در قانون جدید، صرف عضویت یک فرد در یک سازمان موجب نمی شود تا آن فرد ضابط شناخته شود بلکه نیازمند طی دوره آموزش ویژه و کسب دانش و مهارت کافی و صلاحیت اخلاقی و اخذ کارت ویژه ضابط دادگستری می باشد و قانون جدید صراحتاً مقرر می دارد که سربازان و وظیفه ضابط دادگستری محسوب نمی شوند. لذا با توجه به اینکه اولین مرحله فرایند کیفری، کشف جرم می باشد و در واقع دروازه ورودی فرایند رسیدگی به جرم را به خود اختصاص می دهد و همین امر اهمیت مرحله کشف جرم را به خوبی نمایان می سازد بنابراین به منظور تحقق اهداف تامین عدالت اجتماعی، برقراری نظم

عمومی و صیانت از حقوق فردی ضرورت دارد تا قانونگذار در راستای پایبندی به اصل قانونی بودن، نسبت به تعیین نهاد کشف جرم و همچنین افرادی که در این نهاد صلاحیت رسیدگی به جرم را دارند، اقدام نماید. قانون سابق تمام افرادی را که در ماده ۱۵ به عنوان ضابط دادگستری نام برده است، بدون هیچ شرط دیگری، وظایف ضابطین را بر عهده آنان می گذارد، لیکن در قانون لاحق در ماده ۳۰ علاوه بر ذکر افرادی که نوعاً ضابط محسوب می شوند، برای احراز عنوان ضابط دادگستری فراگیری مهارت ها و گذراندن دوره های آموزشی لازم را ضروری دانسته است و برای بر عهده گرفتن وظایف ضابطیت، دارا بودن کارت ویژه ضابطین را شرط کرده است. بدیهی است مقرر فوق در هرچه تخصصی تر کردن وظایف ضابطین دادگستری تاثیری فوق العاده داشته، علاوه بر اینکه با آموزش مهارت های تخصصی جهت کشف جرم و تعقیب مجرمان، از دخالت افراد فاقد این کارت ممانعت به عمل می آورد.

قانون آیین دادرسی در امور کیفری ضابطین را به شرح ذیل طبقه بندی نموده است:

۱-۱) ضابطین عام

آن دسته از ضابطین که وظایف و اختیاراتی که بر عهده دارند کلی و عام است و در مورد کلیه جرایم، صلاحیت اقدام دارند و وظایف و اختیارات آنها محدود به جرائمی معین یا شرایط خاصی نیست. مطابق قانون «ضابطین عام افرادی هستند که صلاحیت اقدام درباره کلیه جرائم را دارند مگر آنچه که قانون منع کرده است.» طبق آیین دادرسی در امور کیفری، فرماندهان، افسران و درجه داران آموزش دیده نیروی انتظامی ضابطین عام تلقی می شوند (کارکنان وظیفه ضابط دادگستری محسوب نمی شوند اما تحت نظارت ضابطان مربوط در این مورد انجام وظیفه می کنند و مسولیت اقدامات انجام شده در این رابطه با ضابطان است. ضابطان دادگستری بر اساس تکالیف و اختیاراتی که دارند باید آموزش های لازم در این زمینه را طی کرده باشد و قانون با پیش بینی این موضوع قلمرو ضابطان عام را به کارکنان آموزش دیده نیروی انتظامی محدود کرده است.

مطابق بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷، اهم وظایفی که نیروی انتظامی به عنوان ضابط قوه قضائیه دارد عبارتند از:

مبارزه با مواد مخدر.

مبارزه با قاچاق.

مبارزه با منکرات و فساد.

پیشگیری از وقوع جرائم.

کشف جرائم.

بازرسی و تحقیق.

حفظ آثار و دلایل جرم.

دستگیری متهمان و بزهکاران و جلوگیری از فرار و مخفی شدن آنان.

اجرا و ابلاغ احکام قضائی.

۲-۱) ضابطین خاص

ضابطین خاص ضابطینی هستند که صلاحیت دخالت آنها محدود به جرائم خاص یا شرایط معینی است و در غیر از آن جرائم یا بدون تحقق آن شرایط، حق مداخله و اقدام ندارند. حال این سوال به ذهن می‌آید که آیا ضابط شناخته شدن این افراد در زمینه خاص، صلاحیت دخالت و اقدام ضابطین عام در این حوزه را نفی یا محدود می‌کند یا خیر؟ در پاسخ باید گفت که ضابطین عام در همه حال ضابط دادگستری محسوب می‌شوند و ضابطین خاص دخالت و اقدام ضابطین عام را محدود یا نفی نمی‌کنند. طبق بند ب ماده ۲۹ ضابطان خاص شامل مقامات و مامورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند: از قبیل روسا، معاونان و ماموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، ماموران وزارت اطلاعات و ماموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، همچنین سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون، تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود ضابط محسوب می‌شوند.

قانون فعلی ما تحقیق از اطفال را بر عهده مقام قضایی نهاده است، اما عملاً به دلیل مشغله فراوان مقامات قضایی، ناگزیر تحقیقات درباره اطفال به ضابطین ارجاع می‌شود. قانون جدید در ماده ۳۱ با در نظر گرفتن این ضرورت عملی، نهادی را پیش بینی کرده است که وظیفه تحقیق و بازجویی از اطفال را به عهده بگیرند.

یکی دیگر از نوآوری های قانون جدید، پیش بینی ضابطین ویژه بانوان در ماده ۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری، جهت بازجویی و تحقیقات از متهمان زن است که باید با حفظ موازین شرعی صورت گیرد.

۲) تکالیف و اختیارات ضابطین

تکلیف از ریشه (ک ل ف) و در لغت بمعنای درخواست یا امر کردن کسی به انجام دادن کاری دشوار است. تکلیف، اصطلاحی فقهی و کلامی و به معنای وظیفه و مسئولیتی است که از ناحیه دین بر گردن بندگان نهاده شده است که به واسطه آن انجام دادن یا ترک کاری بر فرد واجب می شود. واژه تکلیف در قرآن به کار نرفته، اما از مشتقات این مصدر ۷ بار در قرآن استفاده شده که ۶ بار آن یعنی بجز در سوره نساء ناظر به معنایی واحد است این معنای واحد در عبارات متعددی بیان شده از قبیل لایکلف الله نفسا الا وسعها

تکلیف بمالایطاق به تکلیف کردن به امر خارج از طاقت مکلف اطلاق می شود تکلیفی که تحمل آن از حدود قدرت و توانایی مکلف خارج می باشد به بیان دیگر انجام آن برای مکلف یا بسیار دشوار و رنج آور یا محال عادی و عقلی است مانند تکلیف انسان به پرواز کردن. تکلیف بمالایطاق در صورتی که موجب رنج و مشقت زیاد برای مکلف شود مشمول قاعده عسر و حرج می باشد. این تکلیف قبیح است هرچند فی نفسه محال نیست.

همچنین در تعریف اختیار، فلاسفه اسلامی چنین گفته اند: ((کون الفاعل بحیث ان یشاء یفعل و ان لم یشاء لم یفعل)) یعنی اختیار عبارت از آن است که اگر فاعل اراده کند که فعلی را انجام دهد بتواند آن را انجام دهد و اگر اراده نکند، آن را انجام ندهد (ملاصدرا ۱۹۸۱، ج ۶، ص ۳۰۸) علامه طباطبایی هم در تعریف اختیار می گوید (الملاک فی اختیاریه الفعل تساوی نسبه الانسان الی الفعل و الترك) (طباطبایی، ۱۳۶۲، ص ۱۲۲) از نظر وی فعل اختیاری فعلی است که ترجیح یکی از دو طرف آن در اختیار فاعل باشد یعنی فاعل هم قادر بر انجام فعل باشد و هم قادر بر ترک آن، و برای ترجیح فعل، فاعل تاثیری از غیر نپذیرد و اگر عامل غیر از خود فاعل موجب انجام فعل و یا خودداری از آن شود فعل جبری خواهد بود (طباطبایی، الف، ص ۹۰ - ۹۱)

قانون آیین دادرسی کیفری در ماده ۲۸ ضابطین دادگستری را این چنین تعریف کرده است که: «ضابطین دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی، به موجب قانون اقدام می کنند.» این تعریف بیانگر مجموعه تکالیف و اختیارات ضابطین نیز می باشد. و از جمله تکالیف و اختیارات ضابطین که در برخی موارد با حقوق عموم شهروندان نیز در تراحم بوده، بحث بازرسی از اماکن، اشیاء و اشخاص می باشد که ذیلا تشریح می گردد:

۳) بازرسی از اماکن، اشیاء و اشخاص

جایگاه بازرسی در حقوق موضوعه:

یکی از مراحل دادرسی کیفری کشف و تحقیق و تعقیب متهمین و مجرمین می باشد که ذیل مواد ۶۴ الی ۲۹۳ از قانون آیین دادرسی کیفری، انجام این امور بر عهده دادسرا است. یکی از روش‌های دستیابی به ادله اثبات جرم و دستگیری مجرمین، بازرسی می باشد که این مبحث نیز وفق مواد ۱۳۷ الی ۱۵۴ از قانون مارالذکر تدوین یافته است.

بازرسی در حقوق موضوعه نیازمند اذن یا اجازه مقام قضایی قبل یا در مواردی پس از بازرسی است. در خصوص جرایم مشهود موضوع ماده ۴۵ از قانون آیین دادرسی کیفری، طبق ماده ۴۴ این قانون ضابطین موظف هستند تمامی اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات و ادوات و آثار و علائم و دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم و یا تبانی، معمول و تحقیقات مقدماتی را انجام و بلافاصله به اطلاع مقام قضایی برسانند. بنابراین ضابطین در این جرایم حق بازرسی بدنی مظنونین و یا بازرسی اماکن و اشیاء مانند اتومبیل را دارند. اما در جرایم غیر مشهود، هرگونه بازرسی به تصریح ماده ۱۳۷ از قانون فوق الاشعار اعم از بازرسی از منازل، اماکن، و اشیاء باید با اجازه مخصوص مقام قضایی باشد، هر چند انجام تحقیقات به طور کلی از سوی مقام قضایی بر عهده ضابط قرار داده شده باشد. ظاهراً بازرسی افراد در تعارض با حریم خصوصی است اما از حیث قانونی ورود به حریم فردی، گاهی مجاز شمرده می شود و نمیتوان هرگونه تفتیش را غیرقانونی قلمداد کرد. از سویی دیگر بازرسی خیابانی در مواردی که جرم مشهودی واقع شده باشد یا شرایط ویژه حاکمیتی ایجاب نماید، خلاف قانون نیست و حتی وظیفه ضابطان قضایی بوده که وارد عمل شوند اما زمانی مشکل به وجود می آید که معیارهای قانونی در تفتیش افراد بطور دقیق مشخص نیست.

چه کسی حق بازرسی دارد

بازرسی در تحت عنوان تحقیقات مقدماتی برای کشف جرم، بر عهده دادسرا است که مطابق ماده ۱۳۷ از قانون آیین دادرسی کیفری «تفتیش و بازرسی منازل، اماکن بسته و تعطیل و همچنین تفتیش و بازرسی اشیاء در مواردی که حسب قرائن و امارات ظن قوی به حضور متهم یا کشف اسباب، آلات و ادله وقوع جرم در آن وجود دارد، با دستور بازپرس و با قید جهات ظن قوی در پرونده انجام می شود.»

مطابق بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹ انجام وظایفی که بر طبق قانون به عنوان ضابط قوه قضائیه وجود دارد، به عهده نیروی انتظامی است که از جمله این موارد بازرسی و تحقیق را می توان نام برد. بنابراین

ضابط عام قوه قضائیه که عهده دار وظیفه بازرسی است، نیروی انتظامی خواهد بود. البته این بدان معنا نیست که ضابطین قانونی دیگر در حیطه مجوز قانونی حق بازرسی نداشته باشند.

۳-۱) انواع بازرسی

در قانون چند مصداق برای بازرسی ذکر شده است که عبارتند از الف- بازرسی بدنی ب- بازرسی منازل ج- بازرسی اشیاء

۳-۱-۱) بازرسی بدنی (بازرسی از اشخاص)

مطابق قانون تنها زمانی می توان کسی را مورد تفتیش قرار داد که یا جرم مشهودی واقع شده یا در جرائم غیرمشهود دستور دادستان مبنی بر ادامه تحقیقات موجود باشد. نکته مهم در این خصوص است که حتی اگر دادستان در جرائم غیرمشهود اذن ادامه بررسی را دهد، این اذن باید بصورت موردی و مصداقی باشد و نمی توان عموم مردم را برای کشف جرم تفتیش کرد.

هرگاه قرائنی وجود داشته باشد که متهم آلات و ادوات مربوط به جرم را با خود دارد، چنانچه جرم از جرایم مشهود باشد، ضابطین دادگستری حق بازرسی متهم را دارند. البته اگر جرم غیر مشهود بود، بازپرس می تواند شخصا بازرسی کند یا دستور بازرسی بدنی متهم را بدهد. اگر منظور از بازرسی بدنی بدست آوردن چیز معینی باشد بهتر است بازپرس قبلا به متهم تکلیف کند که آن چیز را ارائه کند. وفق ماده ۱۴۵ از قانون آیین دادرسی کیفری در صورت ممانعت شخص از بازرسی، بازپرس می تواند دستور بازگشایی و تحویل را بدهد، اما تا حد امکان از اقداماتی که موجب ورود خسارات می گردد می بایست خودداری نمود.

بدیهی است که بازرسی بدنی باید با رعایت کامل موازین عفت و حیا انجام گیرد. بازرسی بدنی زن به وسیله بازرس زن و بازرسی بدنی مرد به وسیله بازرس مرد باید انجام گردد.

۳-۱-۲) بازرسی از اماکن

اینکه ضابطان دادگستری در جریان پیگیری جرایم مشهود حق بازرسی از منزل افراد مظنون به شرکت در جرم و همچنین اماکن مورد ظن به نگهداری اسناد و اشیاء مرتبط با جرم ارتكابی را دارند یا خیر، قابل بحث می باشد. مطابق ماده ۵۵ از قانون آیین دادرسی کیفری؛ ورود به منازل و اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آنها، همچنین بازرسی از اشخاص و اشیاء در جرایم غیرمشهود با اجازه موردی مقام قضایی است، هر چند وی اجرای تحقیقات را به طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد. از آنجا که منزل و مسکن اشخاص از نظر قانونگذار دارای حرمت خاصی است، مقام تحقیق همیشه و در هر وضعیتی نمی تواند از این روش استفاده نماید. به منظور پیشگیری از تضییع حقوق افراد و همچنین جلوگیری از سوء استفاده عوامل بازرسی می بایست در حکم قضایی صادره از سوی مقام قضایی موضوع مورد بازرسی به صورت واضح و روشن قید گردد تا ضابطان دادگستری دقیقاً از حدود تکالیف و اختیارات خویش مطلع گردند و بدون هیچ گونه ابهامی در قلمرو موضوع مورد حکم، اقدام به بازرسی نمایند. اصل ۲۲ قانون اساسی نیز در این راستا مسکن اشخاص را مصون از تعرض می داند. در قانون آیین دادرسی کیفری به منظور رعایت اصل ۲۲ از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و همچنین ماده ۱۲ از اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز مواد ۱ الی ۱۲ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، برای تضمین آزادی های فردی و کنترل اقدامات ضابطان در این بحث محدودیت هایی از قبیل؛ ارائه نمودن اصل دستور قضایی به متصرف محل از سوی ضابطان، رعایت و حفظ شئونات و اسرار اشخاص در حین بازرسی، انجام دادن بازرسی در طول روز و ... پیش بینی گردیده است. با این وجود بازرسی از منازل و محل هایی که ممکن است محل اختفای مقصرین و مجرمین باشد و ضبط آلات و ادوات جرم از جمله اختیارات بازپرس بوده و در بسیاری از موارد کمک شایانی به اثبات جرم می کند. کشف چاقو یا اسلحه ای که به وسیله آن قتل واقع شده است در کیف یا منزل یا حوزه تصرف متهم یا کشف مواد مخدر در زیر زمین خانه او اثبات کننده بسیاری از مسائل خواهد بود.

مواد ۱۳۷ لغایت ۱۴۵ از قانون آیین دادرسی کیفری سخن از شرایط قانونی و نکات لازم الرعایه در بازرسی از اماکن را متذکر می شود:

شرایط بازرسی از منازل و اماکن بسته و تعطیل

۱. وجود ظن قوی بر حسب دلایل و قرائن به حضور متهم یا کشف اسباب، آلات و ادله وقوع جرم (۱۳۷ ق.ا.د.ک) منظور از اماکن در ماده مزبور مطلق ابنیه ای است که به طور محصور و به صورت اختصاصی (نه به صورت عمومی) و یا شبیه محل سکونت از آن استفاده می شود؛ مانند مسافرخانه و هتل.

۲. مجوز تفتیش و بازرسی منزل و محل کار اشخاص و مقامات موضوع ماده ۳۰۷ و ۳۰۸ قانون آدک و نیز متهمان جرائم موضوع بند ث ماده ۳۰۲ این قانون، باید به تایید رئیس کل دادگستری استان برسد و با حضور مقام قضایی اجراء شود. (ماده ۱۳۸ ق.آ.دک)

۳. چنانچه تفتیش و بازرسی با حقوق اشخاص در تزامم باشد، در صورتی بازرسی مجاز است که از حقوق آن ها مهم تر باشد. (ماده ۱۳۹ ق.آ.د.ک.)

۴. بازرسی منزل در روز: بازرسی منزل باید در روز به عمل آید؛ مگر اینکه ضرورت اقتضاء نماید که منزل در شب مورد بازرسی واقع شود. تشخیص این ضرورت با توجه به اهمیت جرم متکی بودن آن به دلایل و قرائن کافی با بازپرس است. بدیهی است که علت بازرسی در شب و ضرورت آن در صورت مجلس باید قید شود. همچنین باید ذکر نمود که روز از طلوع آفتاب تا غروب آن می باشد. (ماده ۱۴۰ ق.آ.د.ک. و تبصره آن)

۵. لزوم حضور متهم و شاکی و شهود تحقیق در محل بازرسی، در صورت عدم حضور متهم بازرسی در حضور ارشد خانواده متهم واقع می شود. (ماده ۱۴۲ ق.آ.د.ک.)

۶. فوریت امر در صورت عدم حضور صاحبخانه: به تصریح تبصره ماده ۱۴۲ ق.آ.د.ک. چنانچه در محل بازرسی کسی حضور نداشته باشد، تفتیش ممکن نخواهد بود مگر اینکه امر مذکور فوریت داشته باشد. در این صورت با حضور دو نفر از اهل محل، بازرسی به عمل می آید و مراتب فوریت در صورت مجلس قید می شود.

۷. حضور اشخاصی که در امر کیفری دخیل هستند در هنگام بازرسی منوط به اجازه متصرف است، اما چنانچه بازپرس حضور اشخاصی را برای تحقیق ضروری بداند به دستور وی در محل حاضر می گردند. (ماده ۱۴۳ ق.آ.د.ک.)

۸. در صورتی که متصرف منزل و مکان و اشیاء مورد بازرسی، از بازکردن محل ها و اشیاء بسته خودداری نمایند بازپرس می تواند دستور بازگشایی آن ها را بدهد، اما تا حد امکان باید از اقداماتی که موجب ورود خسارت می گردد خودداری شود. (ماده ۱۴۵ ق.آ.د.ک.)

۹. ممنوعیت ورود و خروج به دستور بازپرس؛ در صورتی که شرایط جرم اقتضاء نماید بازپرس می تواند در جهت جلوگیری از امحاء آثار و دلایل، ورود و خروج به محل بازرسی را تا پایان بازرسی ممنوع نماید؛ و برای اجرای این دستور از نیروی انتظامی و بر حسب ضرورت از نیروی نظامی با هماهنگی مقامات مربوط استفاده نماید. (ماده ۱۴۴ ق.آ.د.ک)

۳-۱-۳) بازرسی از اشیاء

بازرسی از سایر اشیاء متعلق به متهم در جرایم غیرمشهود نیازمند اذن موردی مقام قضایی است. فضای خودرو همانند مسکن حریم خلوت متصرف محسوب می‌شود و مشمول ماده ۵۵ ق.آ. د.ک. خواهد بود و در غیر جرایم مشهود بازرسی آن در صورت عدم رضایت مالک، منوط به کسب مجوز قضایی است. در این راستا هیات عمومی دیوان عدالت اداری در دادنامه شماره ۱۷۱-۱۳۸۰/۵/۲۸ با استناد به ماده ۲۴ ق.آ. د.ک سابق، بخشنامه شماره ۴۰۲/۰۱/۱۷۹/۱ - ۱۳۷۹/۴/۱۱ اداره کل قوانین ناجا که تفتیش از خودروها را علی الاطلاق مجاز دانسته، مغایر منطوق ماده تشخیص، و از این جهت باطل اعلام داشت. لذا نیروی انتظامی در جرایم غیر مشهود نیازمند مجوز قضایی پیش از بازرسی است.

در صورتی که موضوع بازرسی، کنترل ارتباطات مخابراتی افراد باشد این امر وفق ماده ۱۵۰ از قانون آیین دادرسی کیفری ممنوع می‌باشد مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد یا برای کشف جرایم موضوع بندهای بندهای (الف)، (ب)، (پ)، (ت) از ماده ۳۰۲ این قانون که شامل جرایم موجب مجازات سلب حیات، حبس ابد، قطع عضو یا جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان نصف دیه کامل یا بیش از آن، مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر می‌باشد، لازم تشخیص داده شود. در این صورت با موافقت رییس کل دادگستری استان و با تعیین مدت و دفعات کنترل اقدام می‌شود. لازم به ذکر است که کنترل مکالمات تلفنی و مخابراتی افراد موضوع ماده ۳۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری که شامل روسای قوای سه گانه و معاونان و مشاوران آنان، رییس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعضای شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و خبرنگاران رهبری، وزیران و معاونان وزیران، دارندگان پایه قضایی، رییس و دادستان دیوان محاسبات، سفیران، استانداران، فرمانداران مراکز استان و جرایم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر ویا دارای درجه سرتیپ دومی شاغل در محل های سرلشگری یا فرماندهی تیپ مستقل و مدیران کل اطلاعات استان ها می باشد، منوط به تایید رییس قوه قضاییه است و این اختیار قابل تفویض به سایرین نمی باشد.

وفق ماده ۱۵۲ و تبصره آن از قانون آیین دادرسی کیفری؛ تفتیش و بازررسی مراسلات پستی مربوط به متهم در مواردی که عمل می‌آید که ظن قوی به کشف جرم، دستیابی به ادله وقوع جرم و یا شناسایی متهم وجود داشته باشد. در این صورت بازپرس از مرجع مربوطه می‌خواهد این مراسلات را توقیف نماید و نزد او ارسال کند. در صورت عدم امکان توقیف، مرجع مربوط، این امر را به اطلاع بازپرس می‌رساند و از وی کسب تکلیف می‌کند. پس از وصول، بازپرس آن‌ها را در حضور متهم یا وکیل او بررسی و مراتب را در صورت مجلس قید می‌نماید و پس

از امضای متهم، آن را پیوست پرونده یا در محل مناسب نگهداری می نماید. استتکاف متهم از امضا یا عدم حضور متهم یا وکیل مدافعش در صورتمجلس قید می شود. چنانچه اشیای مزبور حائز اهمیت نباشد و نگهداری آن ها ضرورت نداشته باشد با اخذ رسید به مرجع ارسال کننده یا به صاحبش مسترد خواهد شد.

موارد ضرورت بازرسی مکاتبات و مراسلات محکومان، به تشخیص دادگاه به وسیله ماموران مورد اعتماد زندان اعمال می گردد و پس از تایید، حسب مورد ارسال یا به محکوم تسلیم می شود. در صورت عدم تایید، مکاتبات و مراسلات ضبط و مراتب به اطلاع دادگاه می رسد. النهایه با وصف توضیحات پیش گفته در خصوص بازرسی از اشیاء، مطابق ماده ۵۷ از قانون آیین دادرسی کیفری ضابطان دادگستری در هنگام بازرسی محل، ادله، اسباب و آثار جرم دیگری را که تهدید کننده امنیت و آسایش جامعه است را مشاهده کنند، باید ضمن حفظ ادله و تنظیم صورتمجلس، بلافاصله مراتب را به مرجع قضایی صالح گزارش و وفق دستورات آن مقام اقدام نمایند.

۴-۱-۳) اختیار احداث تورهای ایست و بازرسی

ایستگاههای ایست و بازرسی به دو دسته دائم و موقت تقسیم می شوند، که به تناسب وضعیت امنیت اجتماعی و سیاسی، در زمان و مکان خاص احداث می گردند. این پست ها می توانند در نقاط مرزی، گلوگاهها، گردنه ها، راههای اصلی و فرعی و حتی ورودی و خروجی شهرها و یا اماکن طبقه بندی شده (حیاتی، حساس، مهم و قابل حفاظت) مستقر گردند. بطور کلی احداث تورهای ایست و بازرسی می تواند اقدامی در راستای تحقق بند ۱ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۶۹ با اصلاحیه های بعدی، یعنی برقراری نظم و امنیت باشد. ضمن اینکه به صورت مصدقی موجبات اجرائی شدن بندهای ۲ و ۵ و ۶ برخی موارد بند ۸ و بند ۱۰ و ۱۲ آن ماده قانونی را فراهم خواهد آورد. در بعد عینی و روانی، این اقدام ره آورد امنیت برای عموم شهروندان و ناامنی برای قانون گریزان را به همراه دارد. اگر بصورت جزئی به موضوع پردازیم پست های ایست و بازرسی این ره آورد را علاوه بر پیشگیری، از طریق کشف جرائم و دستگیری مجرمان محقق می سازند.

یکی از موضوعات بحث برانگیز در این حوزه، تشخیص لزوم استقرار پست های ایست و بازرسی در مکان و زمان مشخص است، که متأسفانه صراحت قانونی و متولی مشخصی در این باره دیده نمی شود. بنظر می رسد در حال حاضر تصمیم گیری در این باره به عهده شورای امنیت کشور، شورای تامین استانها و شهرستانها می باشد. اگرچه در تورهای ایست و بازرسی موقت، عملاً شاهدیم که این کار حتی ممکن است به تشخیص روسا و فرماندهان کلانتری و پاسگاهها نیز صورت پذیرد که مجوز قانونی برای آن وجود ندارد.

ضرورت پرداختن به اختیار احداث تورهای ایست و بازرسی جدای از لزوم وجود برخی اختیارات فوق العاده برای پلیس در این ایستگاههاست. اگرچه اینکه (در این ایستگاهها پلیس واجد چه اختیاراتی است) نیز، محل بحث، و این دو چیزی غیر از اختیار پلیس در توقف و بازرسی افراد و اشیاء و اماکن و محلهای عمومی و خصوصی میباشد.

علیرغم وجود ایست و بازرسی موقت و دائمی در بعضی گلوگاههای کشور و خطوط مرزی و گمرکی، بنظر میرسد که برابر نصوص قانونی، مامورین مستقر در این مراکز، مستقیم و بدون دستور قضائی هیچ اختیاری حتی در خصوص متوقف نمودن وسائط نقلیه و افراد، احراز هویت آنها، بازرسی و ... ندارند، مگر در جرائم مشهود و آنجا که وسیله نقلیه در تحقق بزه مستقیماً موثر بوده باشد (وسیله ارتکاب) یا در اجرای دستور قضائی که مبحثی جداست. پس بنظر می رسد اعطای این اختیارات در غیر شرایط مورد نظر، در زمره اعمال خلاف قانون محسوب می گردد. پیرامون جرائم و تخلفات ترافیکی نیز با شرایط خاص فقط عوامل پلیس راهور قادر به توقف و بررسی مدارک هستند، نه مامورین انتظامی و با هدف پیشگیری از وقوع جرم.

به فرض وجود تصریح قانونی در چگونگی امکان احداث تورهای ایست و بازرسی، مسئله بعدی این است که حدود اختیارات پلیس در این پستها از جمله استفاده از ابزار و تجهیزات و تسلیحات پلیسی چگونه است؟

آیا بسان سایر شرایط عادی، اماکن و ازمه خواهد بود؟

یا باید در این ایستگاهها اختیارات فوق العاده ای برای پلیس در نظر گرفته شود؟

برای مثال استفاده از ابزاری از قبیل: سیخک، میخ، راه بند، ایجاد تصادف عمدی و حتی تیر اندازی به منظور توقف وسیله نقلیه هدف مجاز است یا خیر؟

و اگر آری، چنانچه خسارتی از این طریق به خودرو موصوف و سرنشینان مربوطه، پلیس و تجهیزاتش، یا حتی شخص ثالثی وارد آید نحوه جبران چگونه خواهد بود؟

اینجاست که نقش قوانین حمایتی پلیس، بیمه ایشان و اقداماتشان، نیز قواعد الزام آور در راستای تمکین از خواسته های قانونی پلیس کاملاً مبرهن می گردد (نک. بحث اختیارات در نحوه جبران خسارت).

البته در طرف مقابل لزوم وجود برخی ضمانات اجرای قانونی برای جلوگیری از سوء استفاده های پلیسی از این اختیارات موسع بیش از پیش نمایان خواهد شد، و این لزوم رعایت برخی پیش فرضها (باید و نبایدها) به تناسب دائمی یا موقت بودن ایست بازرسی را ضروری می نماید. برای مثال:

- لزوم دقت در جانمایی و معماری درست پستهای ایست و بازرسی، چراکه باید بدانیم جانمایی و معماری داخلی و خارجی درست این اماکن از جهات مختلف بر امر پیشگیری از جرم موثر خواهد بود از آن جمله:

* اشرافیت کامل به آمد و شد خودرو و نفرات از محورهای مواصلاتی ورودی، خروجی و نفوذی، و کنترل دقیق راههای مواصلاتی و نفوذی

* پیشگیری از بزه دیدگی نیروهای خودی به ویژه در اثر اقداماتی چون عملیاتی تروریستی

* دسترسی آسان و سریع به ستاد فرماندهی و بالعکس به منظور صدور آموزش و نظارت بهتر بر پرسنل با هدف پیشگیری از بزهکاری ایشان، و امکان اعزام هرچه سریعتر نیروهای کمکی و امدادی به ایست و بازرسی در موارد لزوم

* لزوم هماهنگی با سلسله مراتب فرماندهی و مسئولین شهری با هدف پیشگیری از خودکامگی های احتمالی پلیس و نیز حمایت از حقوق و آزادی های افراد، و خیلی مصادیق دیگر.

بنظر می رسد علاوه بر اینکه لازم است مسئولین سیاسی و امنیتی از قبیل فرماندار و بخشدار در جریان موضوع احداث تور ایست و بازرسی باشند، اختیار احداث آن بایستی اختصاصا در ید افسران بلند پایه انتظامی از قبیل فرمانده یا جانشین شهرستان باشد، یا به تناسب موقت و دائمی بودن آن شورائی در این باره تصمیم گیرنده باشد. ضرورت پرداختن به اختیار احداث تورهای ایست و بازرسی جدای از لزوم وجود برخی اختیارات فوق العاده برای پلیس در این ایستگاههاست .

متاسفانه در هیچ جای متون قانونی ما در مورد ایست و بازرسی اشاره به نحوه توقف وسائط نقلیه از طریق پلیس نشده است، هرچند در مواردی که توقیف تجویز شده، می توان قائل به ملازمه این دو شد.

از مجموع قانون رسیدگی به تخلفات راهور ۱۳۸۹، دستور العمل چگونگی توقیف، انتقال، نگهداری، رفع توقیف و ترخیص وسائط نقلیه ناجا (۳/۹۵۴۱۰۳/۳۶/۰۲/۱۷/۱۲ مورخ ۱۳۹۵/۰۳/۱۱) و سایر قوانین مرتبط چنین بر می آید که مامورین نیروی انتظامی در مواردی اختیار توقیف و نه توقف، وسائط نقلیه را دارند. نیز در حین توقیف اختیاری تحت عنوان بازرسی احصاء نشده مگر در جرم مشهود، و مواردی که وسیله نقلیه در تحقق بزه مستقیما موثر بوده باشد (وسيله ارتكاب). البته در پاره ای موارد این اختیار مختص مامورین راهور است و بس، و جز در مواردی که تخلف مشهودی از راننده وسیله نقلیه سر زده باشد، این مامورین حق متوقف ساختن وسیله نقلیه را ندارند. در موارد محدود چون ماده ۳۱ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، اشاره به اختیار توقف شده است لکن از آنجا که

این اختیار منوط به احراز وضعیت حمل بار یا مسافر و... شده، معمولاً احراز وجود یا عدم وجود علت توقف، بعد از توقف صورت خواهد گرفت، پس نفس توقف اولیه، سالبه به انتفاع موضوع و غالباً نوعی کسب دلیل از طریق نامشروع و غیر قانونی محسوب خواهد شد.

در صورتیکه مطابق ماده ۲۴ اصلاحی قانون پلیس و ادله کیفری مصوب ۱۹۸۴ و نیز ماده ۱۱۰ قانون پلیس و جرم سازمان یافته شدید کشور انگلستان، شاهدیم که قانونگذار مربوطه فراتر از این، حتی اختیار دستگیری افراد را در سه وضعیت پیش جنایی، حین جنایی و پساجنایی (حتی در جرائم غیرمشهود) را بصورت راسا برای پلیس به رسمیت شناخته است. (پرویزی فرد. آیت اله. ۱۳۹۱. سلب آزادی از متهم در حقوق ایران و انگلستان).

۲-۳) نقد و ارزیابی قوانین مرتبط با بازرسی و تفتیش اشیاء

۳-۲-۱) قانون آیین دادرسی کیفری (ماده ۵۵):

قانون آیین دادرسی کیفری از مهم ترین قوانین اساسی و پایه ای هر کشور بوده که بخش مهمی از نظم عمومی کیفری و عدالت کیفری از آن طریق اجرا می شود قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ با وجود برخی از اشکال و ایرادات مترتب بر آن، از جنبه ها و نکات مثبت بسیاری برخوردار می باشد. در ماده ۴ این قانون اصل برائت گنجانده شد که در قانون قبلی مطرح نشده بود، این اصل علاوه بر اینکه در حقوق کیفری ماهوی مانع از مجازات اشخاص می شود، در حقوق کیفری شکلی نیز بدین طریق مطرح گردید و مانع هرگونه اقدامات محدود کننده، سلب آزادی و سلب کرامت و حیثیت اشخاص و... می شود. و اصولاً ایجاد محدودیت برای شهروندان به بهانه کشف جرم و تعقیب کیفری جایز نبوده و تعقیب کیفری و ایجاد محدودیت می بایست به عنوان یک امر استثنایی تحت شرایط خاص (در چهارچوب قانون- در صورت وجود ظن قوی و وجود ضرورت برای کشف جرم- حداقلی بودن اقدامات محدود کننده- حفظ کرامت انسانی و...) باشد. افزودن این ماده به منظور حفظ حقوق شهروندی ضرورت داشت. ماده ۵۵ و ۵۶ قانون اخیر الذکر که کیفیت تفتیش اماکن و اشخاص و اشیاء را در جرائم غیر مشهود بیان می کند، هرچند بخشی از آن (ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آن ها) برگرفته از اصل ۲۲ قانون اساسی بوده و اجرای آن ضرورت دارد اما قسمت دوم آن که بازرسی اشخاص و اشیاء را منوط به اجازه موردی مقام قضایی نموده، مانع و چالشی است در اجرای بازرسی در ایست و بازرسی های مصوب و مقطعی (با توجه به اینکه گاهی مقامات قضایی در دسترس نبوده و خودروهایی با وضعیت مشکوک و مظنون از ایست و بازرسی عبور نموده و بعضاً حامل اشیاء ممنوعه و سلاح و مهمات غیرمجاز بوده که امنیت داخلی را به مخاطره می اندازد) این مصوبه قانونی در عمل ضابطین را با محدودیت های زیادی مواجه نموده، بطوریکه رویکرد شهروند

محوری را بیش از مقدار ضروری ارتقاء داده و رویکرد امنیت محوری قانون، در اینجا زایل گردیده است، به ضریب امنیت و احساس امنیت نیز لطمه وارد نموده و از اختیارات پلیس و سایر ضابطین خاص کاسته و انگیزه آنان را برای کشف جرم سلب نموده و کشف جرم را با مشکلاتی مواجه نموده است. امروز سارقان به راحتی می توانند اموال مسروقه خود را در خیابان و جاده ها جابجا کنند. مال خرها به سهولت قادرند این اموال مسروقه را در تمام بازارهای رسمی و غیر رسمی به فروش برسانند. خودروهای مسروقه با پلاک و مدارک مجعول به راحتی قادر به تردد در محورهای اصلی می باشند. این جز از عدم وجود اختیار پلیس در توقف و بررسی هویت این اموال و متصرفین آنها ناشی نمی شود.

در مواردی نیز نیروی انتظامی از طریق بخش نامه و دستورالعمل که ظاهراً خلاف نص صریح قوانین نیز می باشد، مثلاً در تعطیلات نوروزی که بیشتر مردم در مسافرت هستند، هرگونه جابجائی اثاثیه منزل را منوط به هماهنگی با کلانتری یا پاسگاه محل می نماید، و در صورت مشاهده این گونه موارد، فرض را بر مجرمیت نهاده و وارد بررسی و احراز هویت و مالکیت می گردد. در صورتی که از نظر قانونی امکان متوقف ساختن خودرو حامل این وسائل متصور نمی باشد.

اگرچه این اقدام توسط مراجع قضائی و عموم مردم به طور ضمنی پذیرفته شده، و تبدیل به یک عرف رایج شده است؛ اما سوال است که چرا قانون گذار محترم با این تفاسیر و سودمندی چنین اختیاراتی به حال جامعه، به آن وجهه قانونی نمی بخشد.

اختیار متوقف ساختن وسایل نقلیه و ملازمه آن با احراز هویت اشخاص، اشیاء و اموال، وسیله نقلیه و امکان تحقیق و بررسی در این زمینه از اهمیت وافری در بحث پیشگیری از جرم برخوردار است. امروزه غالب قریب به اتفاق جرائم، نیازمند وسیله ارتکاب خصوصاً خودرو می باشند. وسیله ارتکاب جرم جزو کلیدی ترین موضوعات در بحث پیشگیری و حتی کشف جرم می باشد. اعطاء اختیار به پلیس در این راستا موجب افزایش حضور پلیس، تقویت سیبل جرم و تحقق امر پلیس مشرف بر صحنه خواهد بود.

بطور معمول می توان گفت که مجموعه اختیارات مورد اشاره، توقف، احراز هویت، تحقیق و بررسی هویت ارائه شده، با همدیگر ملازمه دارند اما نباید این امر موجب شود که قانونگذار از احصاء موردی همه آنها طفره رود، چرا که گفتیم اصل بر عدم وجود اختیار است و اینجا نیز تفسیر و قیاس و تسری راه نخواهد داشت.

۳-۲-۲) قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر (تبصره ماده ۵) :

این قانون در سال ۱۳۹۴ به تصویب رسیده که تبصره ذیل ماده ۵ آن صراحتاً عنوان نموده «اماکنی که بدون تجسس در معرض دید عموم قرار می گیرند مانند قسمتهای مشترک آپارتمان ها، هتل ها، بیمارستانها و نیز وسایل نقلیه مشمول حریم خصوصی نیست». چنانچه می بینیم این مصوبه قانونی صراحتاً وسایل نقلیه را از شمول اماکن خصوصی جدا نموده، یعنی ورود به وسیله نقلیه برای آمر به معروف، مجوز جداگانه ای نیاز ندارد چون برای وی حریم خصوصی محسوب نمی شود، لذا وسایل نقلیه از جمله خودرو را بر اساس این قانون می توان بدون مجوز قضایی بازدید و بازرسی نمود.

۳-۲-۳) بررسی تعارض یا تراحم دو مصوبه قانونی اخیرالذکر:

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۹۲ و قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب سال ۹۴ می باشد و در تناقض ماده ۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره ماده ۵ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، با عنایت به عام بودن قانون آیین دادرسی کیفری و خاص بودن قانون اخیرالذکر، قاعدتاً قانون خاص موخر در موارد اختلاف، قانون عام مقدم را تخصیص می زند لیکن در مراجع قضایی چنین عمل نمی شود و در چنین مواردی وحدت رویه ای وجود ندارد که البته اکثر مراجع قضایی ماده ۵۵ قانون آدک را ملاک عمل قرار می دهند که محدودیت ایجاد شده در این ماده، برای ایستگاههای ایست و بازرسی (اخذ مجوز موردی از مقام قضایی) ماموریت خطیر و حساس ناجا را در مرحله پیشگیری از جرائم، کشف جرم و شناسایی و تعقیب مجرمین با مشکلات مضاعفی مواجه ساخته و اثرات قابل توجهی بر افزایش جرم خواهد داشت. این ماده با رویکردی شهروندمحور تصویب شده و در اینجا حقوق شهروندی با برقراری نظم و امنیت تعارض داشته، و با عنایت به ناآرامیهای اخیر و وقوع تیراندازی و بمب گذاری در مجلس شورای اسلامی و مرقد مطهر امام خمینی (ره) مطلوبتر است که بمنظور کشف و پیشگیری از وقوع جرائم، اندکی از رویکرد شهروندمحور این ماده فاصله گرفته و بمنظور ایجاد نظم و امنیت، قدری به رویکرد امنیت محور نزدیکتر شویم.

با بررسی نگارنده در بین اساتید حقوق کیفری، بنظر می رسد که قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر هرچند بصورت قانونی تصویب و لازم الاجرا گردیده و تا کنون نسخ نگردیده، لیکن علی الظاهر، فعلاً اجرای آن را معلق نموده اند.

نتیجه گیری:

به رسمیت شناختن و احترام به حق حریم خصوصی و لزوم وجود مقررات و قواعدی ناظر بر رعایت اصل مصونیت حریم خصوصی اشخاص از هرگونه تعرض، نه تنها به تامین بیشتر آزادی آنان کمک می کند، بلکه ورود به قلمرو

خصوصی اشخاص توسط ماموران دولتی را با مقرر نمودن تشریفات و ضوابطی در راستای اجرای تفتیش و بازرسی محدود می نماید. یکی از اقداماتی که ناقض حریم خصوصی قلمداد می شود، بازرسی و تفتیش است. با توجه به استثنایی بودن این اقدام، ضروری است که در قوانین دادرسی کیفری صراحتاً حدود و ثغور این اقدام مشخص گردد. در حقوق ایران با توجه به مواد قانون آیین دادرسی کیفری اینگونه برداشت می شود که بازرسی و تفتیش از اتومبیل های شخصی همانند بازرسی از منازل باید با اذن موردی مقام قضایی باشد و در نتیجه وسایل نقلیه نیز جزو اماکن خصوصی بوده و رعایت حریم خصوصی در آن اجتناب ناپذیر است. بر این اساس، نقض حریم خصوصی افراد باید در راستای یک مصلحت عمومی بوده و تنها در مواردی به عمل آید که مصلحت عمومی، مهمتر از حق افراد و بر مبنای موازین جامعه دموکراتیک باشد، و مقام تشخیص مهمتر بودن حق حریم خصوصی و یا مصلحت اجتماعی، باید یک مقام قضایی باشد.

در حقوق ایران در خصوص بازرسی و تفتیش از اماکن، اشیاء و اشخاص، مواد ۵۵ و ۱۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۵ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر و تبصره ذیل آن، و نیز قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹ حاکمیت دارد. با رجوع به مواد قانون آیین دادرسی کیفری مشخص می گردد که وسیله نقلیه جزو حریم خصوصی به شمار می رود. با آنکه فضای داخل اتومبیل در معرض دید همگان قرار دارد ولی با توجه به اطلاق واژه اشیاء در مواد ۵۵ و ۱۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری و نیز ضرورت حفظ حریم خصوصی اشخاص، اینگونه برداشت می شود که وسیله نقلیه نیز بعنوان یکی از مصادیق اشیاء قلمداد می گردد و به همین جهت بمنظور بازرسی و تفتیش وسایل نقلیه، رعایت ضوابط و تشریفات مذکور در این مواد ضروری است. در یک جمع بندی کلی می توان گفت، قانون در راستای حفظ و رعایت حقوق شهروندی بمنظور تفتیش و بازرسی از اماکن، اشیاء و اشخاص، الزاماتی را به شرح ذیل قائل گردیده است:

- ۱- در مواردی که ظن و دلایل قوی در آن زمینه وجود داشته باشد.
- ۲- قبل از تفتیش و بازرسی، اذن موردی از طرف مقام قضایی کسب شده باشد.
- ۳- مورد بازرسی و تفتیش بایستی بسیار با اهمیت تر از حقوق شهروندان باشد.
- ۴- حتی المقدور باید با حضور افراد ذینفع و یا وابستگان وی بازرسی در محل انجام شود.
- ۵- صورتجلسه ای بمنظور ثبت دقیق اقدامات انجام شده تهیه گردد.

۶- تفتیش و بازرسی بایستی در روز به عمل آید و انجام بازرسی در شب باید بر اساس ضرورتی خاص صورت گیرد که دلیل بازرسی و ضرورت آن نیز باید در صورتجلسه قید گردد.

۷- در زمان بازرسی و تفتیش بایستی تا حد امکان از ورود خسارت به اشیاء و اموال متهم خودداری گردد.

۸- فقط آنچه که مربوط به جرم موردنظر می باشد، باید مورد بررسی، بازرسی و تفتیش قرار گیرد، بنابراین سایر اشیاء متعلق به متهم بایستی مورد بازرسی قرار گیرد مگر آنکه آثار جرم دیگری را که تهدید کننده امنیت و آسایش عمومی جامعه است مشاهده کنند که آن هم باید با هماهنگی با مرجع قضایی وفق دستور وی عمل نمایند، و نیز سایر اوراق و نوشته های متهم نباید محتوای آن افشاء گردد.

در این راستا، در وضعیت کنونی ضرورت دارد قوانین و مقررات موضوعه مورد اشاره، که مربوط به تفتیش و بازرسی از اماکن، اشیاء و اشخاص می باشد، از طریق مجلس شورای اسلامی بنحوی هماهنگ، ابهام زدایی و تفسیر گردد که برای ضابطین و عموم مردم نیز صریح، روشن و به راحتی قابل فهم باشد زیرا قوانین صرفاً برای حقوقدانان وضع نمی گردد بلکه در صورت ابهام، با منافع و حقوق عموم مردم در تزامن قرار می گیرد.

و البته با توجه به نقش اساسی و انکارناپذیر ضابطان در میزان رعایت حقوق شهروندان و خصوصاً بعنوان متصدیان امر بازرسی و تفتیش از اماکن، اشیاء و اشخاص، بحث آموزش این قشر در خصوص مسائل حقوقی خصوصاً حقوق شهروندی و قانون آیین دادرسی کیفری و خاصه مبحث بازرسی از اماکن، اشیاء و اشخاص، تا حد قابل توجهی می تواند در اجرای صحیح ماموریتها، دادرسی عادلانه و منصفانه، و پیشبرد اهداف قضایی، مفید و موثر باشد.

فهرست منابع و ماخذ:

وروایی - اکبر - ۱۳۹۴ - آیین دادرسی کیفری در نظم حقوقی کنونی (کتاب نخست: قواعد ناظر بر کلیات آیین دادرسی کیفری و نهاد کشف جرم) - انتشارات خرسندی

سام نژاد - امیر - ۱۳۹۶ - تکالیف و مسئولیتهای ضابطین منطبق با قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ - انتشارات اندیشه زرین

وروایی - اکبر - ۱۳۹۵ - دادرسی عادلانه و منصفانه - انتشارات آریاداد

پرویزی فرد - آیت اله - ۱۳۹۱ - سلب آزادی از متهم در حقوق ایران و انگلستان
معاونت حقوقی و امور مجلس ناجا - ۱۳۹۵ - مجموعه قوانین و مقررات کاربردی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی
ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۲

قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹ و آیین نامه های مربوطه

قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴

Abstract

Background and purpose

The inspection of places, objects and people as a legal topic a very close relationship with the observance of the human rights society, and as a result the level of legal knowledge and awareness of science, and the officers would inspect and audit police towards the relevant rules and regulations (of which some have a contradiction and conflict together) and the amount of knowledge and awareness

of community citizens are mutually relative to the rights of citizenship, the abundant care eligibility.

In this regard, should also include a comment putting the necessity to promote legal knowledge police duties and powers they are also transparent and explicit book separating, as well as the relevant laws and regulations related to also somehow describe the brief and far from any ambiguity.

Research methodology

This paper has been done by analytical–descriptive method and the required information has been gathered by a library method.

The research findings

The role of the police in respecting the rights of the citizen has an undeniable role, which should be considered by the police to pay attention to respect for the rights of citizens of the community.

Familiarity with the works of this law on the police inspection of places, objects and people and the necessity of judicial authority or lack of necessary permission of the case and interpretation of the relevant legislation on this subject on the basis of relevant including the findings of the research.

Results

The legislator, as well as the judiciary and law enforcement officials, should not hesitate to take any action in the pursuit of justice.

The question with the correct legislation to require or create a suitable substrate and the day, and employing fluent in criminal law and criminology, and Islamic ethics, this action can be taken with respect to human dignity in relation to the parties to the dispute.

Legislators should pass criminal laws, observe the equinox, it could approach thrust security legislation is not legal, so dominant that violate the rights of citizens and on the other hand, it is also not so overcome for the citizen approach that causes create uncertainty in the community, provide.

Keywords: Inspection and audit – Judicial officials – Assignments and powers